

اعلامیه مطبوعاتی

خلافت مردم بلوچستان را با برادران شان در پاکستان بر بنیاد عقیده اسلامی وحدت می بخشد، نه زور و اجبار

(ترجمه)

حملات اخیر در بلوچستان از نظر گستره شدت و دامنه، از شدیدترین حملاتی بوده که در دهه‌های گذشته رخ داده است. از تاریخ ۲۹ جنوری ۲۰۲۶ م به این سو، گروه‌های جدایی طلب حملات هم‌زمانی را دست‌کم در نه منطقه (محلّه‌ها و ولسوالی‌ها) بلوچستان انجام دادند که طی آن، مراکز گوناگون امنیتی، پوسته‌های نظامی، مراکز پولیس، یک زندان، دفاتر اداره محلی در محلّه‌ها، بانک‌ها و دیگر نهادهای دولتی هدف قرار گرفت، در جریان این حملات و نیز عملیات‌های متقابل پس از آن، صدها تن جان‌های خود را از دست دادند.

اکنون که نزدیک به یک هفته از این رویدادها و عملیات انتقامی گذشته است، زمان آن فرارسیده تا با آرامش و تأمل به این موضوع پرداخته شود، حزب التحریر-ولایه پاکستان بر آن است تا سه نکته مهم را با همه طرف‌های ذی‌ربط در این مسئله در میان بگذارد:

نخست: به سبب نظام دموکراسی که در آن عدد اکثریت بر اقلیت تسلط می‌یابد، بلوچستان به عنوان کم جمعیت‌ترین ایالت، در طول دهه‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است. در نوامبر ۲۰۲۵ م دولت پاکستان گزارشی را با عنوان «شاخص شکنندگی ایالت‌ها در پاکستان» منتشر کرد که در آن آمده است: ۱۷ ایالت از میان ۲۰ ایالت عقب مانده پاکستان، تنها در بلوچستان موقعیت دارند، این گزارش، دروغ بودن ادعای حکومت را برملا می‌سازد که گویا هزینه‌های هنگفتی را برای توسعه بلوچستان و رفع شکایات مردم آن مصرف کرده است؛ زیرا بیشتر منابع مالی موجود صرف خرید وفاداری‌های سیاسی می‌شود و فساد گروه کوچکی از نخبگان، آن را می‌بلعد.

در عین حال، بلوچستان سرشار از ذخایر طلا، نقره، مس، نفت، گاز، آب و دیگر منابع طبیعی است؛ اما به سبب دوری از احکام شریعت اسلامی، منافع این منابع به نفع شرکت‌های بزرگ و شمار اندکی از نخبگان حاکم مصادره می‌گردد. بر بنیاد احکام شرعی، همه این منابع «ملکیت عامه» به شمار می‌روند و منافع آن‌ها باید به همه مردم برسد. از این رو، سپردن آن‌ها به سرمایه‌داران از راه برنامه‌های خصوصی‌سازی جایز نیست و نیز دولت حق ندارد مالکیت انحصاری این منابع را برای خود ادعا کند. رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«النَّاسُ شُرَكَاءُ فِي ثَلَاثٍ: فِي الْمَاءِ، وَالْكَأَلِ، وَالنَّارِ» (رواه ابوداود و ابن ماجه)

ترجمه: مردم در سه چیز شریک‌اند: در آب، چراگاه و آتش.

اسلام بر اصل وحدت حاکمیت استوار است، نه بر فدرالیسم. در چارچوب نظام فدرالی هر ایالت ادعای مالکیت منابع خود را می‌کند و جدایی طلبان بلوچ نیز بر پایه همین ادعاها، سلاح را در برابر دولت برداشته‌اند؛ در حالی که مطابق احکام شریعت اسلامی، معادن، منابع نفت و گاز، دریاها، رودخانه‌ها و امثال آن که در هر نقطه‌ای از قلمرو دولت قرار داشته باشند ملکیت عامه به شمار می‌روند و همه شهروندان دولت به گونه برابر حق بهره‌مندی از آن‌ها را دارند.

بر این اساس، ملکیت‌های عامه در خیبرپختونخوا، پنجاب، سند، بلوچستان و دیگر ایالت‌ها، ملک مردم بلوچستان نیز هست؛ همان‌گونه که ملکیت‌های عامه در بلوچستان، ملک سایر شهروندان دولت به شمار می‌رود. اسلام با نظام عادلانه خود، توسعه متوازن را در همه ایالت‌ها تضمین می‌کند و احساس محرومیت را از مناطق عقب مانده می‌زداید، اما با دوری از تطبیق احکام اسلام، بلوچستان در معرض نفوذ جدایی طلبان و قدرت‌های استعماری کافر پشتیبان آنان قرار داده شده است.

دوم: روایت قوم‌گرایی بلوچ را نمی‌توان بر بنیاد قوم‌گرایی پاکستانی شکست داد؛ زیرا خود آن نیز نوعی قوم‌گرایی است. مسلمانان بلوچ و مسلمانان سراسر جهان تنها بر پایه عقیده اسلامی می‌توانند وحدت پیدا کنند؛ همان‌گونه که رسول الله صلی الله علیه وسلم قبایل پراکنده قریش و عرب را که در تعصبات قومی، زبانی و قبیله‌ای غرق بودند بر محور یک عقیده اسلامی واحد وحدت داد و همان‌گونه که در طول قرون، صدها قوم گوناگون در سایه دولت خلافت به هم پیوستند.

امکان آن وجود داشت که مردم بلوچستان بر بنیاد عقیده اسلامی وحدت پیدا کنند؛ اما حاکمان از این اصل دست کشیدند، ناکامی پی در پی در یک پارچه ساختن مسلمانان بلوچ بر اساس قوم‌گرایی پاکستانی، حاکمان سکولار قوم‌گرا را به سوی به‌کارگیری زور، اجبار و خشونت سوق داد؛ چنان‌که ناپدیدسازی‌های اجباری، آدم‌ربایی، زندانی‌کردن فعالان سیاسی، حملات خشن بر معترضان و سرکوب گسترده فعالان سیاسی بلوچ، همگی مردم بلوچستان را از دولت دور ساخت و نسبت به آن بی‌اعتماد کرد.

اگر دولت با آگاهی سیاسی شرعی عمل می‌کرد، می‌کوشید جدایی‌طلبان بلوچ را از توده مردم جدا سازد؛ اما با تطبیق سیاست «دولت پولیس‌محور» حتی بر مسلمانان عادی بلوچستان که خود از محرومیت و رفتار دولت ناخشنود اند آنان را عملاً به سوی صفوف جدایی‌طلبان راند و زمینه موفقیت تبلیغات‌شان را فراهم ساخت، بدین‌سان، به جای حل مشکل، حاکمان بر پیچیدگی و وخامت آن افزودند.

پیوند ملیت جغرافیایی پیوندی بسیار سست است و چیزی جز احساسی گذرا و موقتی نیست که غالباً در واکنش غریزی به هنگام خطر پدید می‌آید و پیوند قوم‌گرایانه پیوندی عاطفی است که نزاع بر سر سلطه را میان مردم شعله‌ور می‌سازد. رفتار دولت با فعالان سیاسی بلوچ به‌گونه‌ای که نهایت بی‌عدالتی در آن دیده می‌شود از دید شرع حرام است؛ زیرا بر اساس اسلام، خلیفه مسئول رسیدگی به امور مسلمانان است و باید احکام شریعت اسلامی را با آگاهی سیاسی تطبیق کند و با حکمت، متانت، نرمی و صبر در پی جلب وفاداری مردم باشد، الله سبحانه و تعالی در کتاب کریم خود می‌فرماید:

﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رَحِمَاءٌ بَيْنَهُمْ﴾ [فتح: 29]

ترجمه: محمد فرستاده الله (سبحانه و تعالی) است و کسانی که با اویند، در برابر کافران سخت‌گیر و در میان خود مهربان‌اند.

اما سیاست‌های کنونی رهبری سیاسی و نظامی سکولار، در واقع هر روز وضعیت بلوچستان را خطرناک‌تر می‌سازد.

سوم: تقسیم سرزمین‌های مسلمانان به‌طور قطعی حرام است و خیانت به الله سبحانه و تعالی، رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم و مؤمنان به‌شمار می‌رود. قوم‌گرایی بلوچی به‌گونه مستقیم با عقیده اسلامی در تضاد است؛ هم‌چنان کشتار وحشیانه و ابدستگان قومیت‌های دیگر، تعرض بر آنان، یا محدود ساختن اقامت در منطقه‌های خاص فقط به بلوچ‌ها بر بنیاد نژاد یا زبان همه به‌صراحت حرام و از مظلومی است که اسلام آن را نمی‌پذیرد. خشم مسلمانان بلوچستان از ستم دولت و سیاست‌های سرکوب‌گرانه آن قابل فهم و درک است؛ اما این امر مجوزی نمی‌شود تا مردم بلوچستان از احکام اسلام روی‌گردان شوند و به دعوت‌های قوم‌گرایانه بلوچی پاسخ دهند. برای مسلمانان بلوچستان جایز نیست که به نام قوم‌گرایی حرام، خود را برتر از دیگر مسلمانان بدانند یا به دیگران با نگاه تحقیرآمیز بنگرند.

ستم حاکم به مسلمانان اجازه نمی‌دهد که خود را پارچه پارچه بسازند و بر ضعف خویش بیفزایند و به لقمه‌ای آسان برای کافران بدل شوند؛ بلکه بر آنان واجب است دست حاکم ستم‌گر را بگیرند، امر به معروف و نهی از منکر کنند و سخن حق را هرچند با آزار و اذیت روبه‌رو شوند در برابر او بگویند.

مسلمانان بلوچستان عزیز و باکرامت‌اند و پاسداران و پرچم‌داران عقیده اسلامی به‌شمار می‌روند و شایسته تاریخ پرافتخار و سیمای آنان نیست که راهی را بپیمایند که رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم آن را «دعوت جاهلی» نامیده است. الله سبحانه و تعالی می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتَقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ﴾ [حجرات: 13]

ترجمه: ای مردم! ما شما را از یک مرد و یک زن آفریدیم و شما را اقوام و قبیله‌ها گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید؛ بی‌گمان گرامی‌ترین شما نزد الله، پرهیزگارترین شماست؛ همانا الله دانا و آگاه است.

و رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند:

«مَنْ قَاتَلَ تَحْتَ رَايَةٍ عُمِيَّةٍ، يَدْعُو إِلَىٰ عَصَبِيَّةٍ، أَوْ يَنْصُرُ عَصَبِيَّةً، فَقُتِلَ، فَقِتْلَةٌ جَاهِلِيَّةٌ» (رواه مسلم)

ترجمه: هرکس زیر پرچمی کورکورانه بجنگد، به تعصب دعوت کند یا از تعصب پشتیبانی نماید و کشته شود، مرگش مرگ جاهلی است.

ای مسلمانان بلوچستان! برای به‌دست آوردن حقوق شرعی خویش، زیر پرچم اسلام یک‌پارچه شوید و حزب‌التحریر را در برپایی خلافت بر منهج نبوت یاری رسانید تا به حاکمیت این حاکمان ستم‌گر پایان داده شود. بدانید که وضعیت بلوچستان بار دیگر اقتضا می‌کند دولت خلافت برپا گردد؛ دولتی که مسئله بلوچستان و دیگر مسائل را حل می‌کند، امت را یک‌پارچه می‌سازد، حقوق را به صاحبانش بازمی‌گرداند و تنها به برچیدن قوم‌گرایی منطقه‌ای بسنده نمی‌کند، بلکه مرزهای قومی بین‌المللی ساختگی را نیز فرو می‌ریزد تا مسلمانان یک‌پارچه شوند. آگاه باشید که همین بیماری سرطانی قوم‌گرایی بود که استعمارگران کافر در آغاز به‌وسیله آن دشمنی میان عرب و ترک را دامن زدند، مناطق بالکان را از پیکر امت جدا کردند و سپس به تجزیه سرزمین‌های مسلمانان ادامه دادند.

آیا همین قوم‌گرایی افغانی و پاکستانی نبود که میان دو برادر جدایی افکند و هنوز هم حاکمان آتش آن را شعله‌ور می‌سازند؟ خلافت راشده دوم که بر بنیاد عقیده اسلامی برپا خواهد شد، تنها نهادی است که وحدت امت را بازمی‌گرداند و به همه شهروندان دولت حقوق برابر می‌بخشد.

دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه پاکستان